



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۹/۲۰



س.ح. روغ

## کابل:

### موازنه های سیاسی جابجا می شوند!

مردم دیگر حاضر نیستند این عقیده خود را واپس بگیرند که گفتار سیاسی رائج در کابل، همه به دورادور همان دور باطلی در گردش هست که روزانه تا ۴۰۰ افغان را به کام مرگ می اندازد. مثل این است که در افغانستان یک ماشین برای کشتن آدم ها به کار انداخته شده است و همه با چشمانی همچون چشمان گوسفند قربانی تماشا داریم که این ماشین چقدر خوب کار می کند؛ و کسانی هم مأموریت خود دانسته اند که مبادا، و وای بر ما، اگر این ماشین یکدفعه از کار بیافتد !!!

بلی! ما افغانان، خود ما، حسیت و حساسیت خود را نسبت به جنایت در برابر وطن و هموطن از دست داده ایم؛ و کسی اعتراف کند و یا نکند، این از مهم ترین منابع ادامه بلامانع جنگ در افغانستان است! کسی اعتراف کند و یا نکند، با دستان خود ما بر علیه خود ما جنگیده می شود! بلی! در کابل همه غیر منتظره ها، دیگر، منتظره شده اند!

در این میان به یکباره یک صدای «ملی» بالا شده است؛ جناب صبغت الله مجددی در جمع سران ائتلاف ملی، در حالی که جناب حامد کرزی هم حاضر بود، اظهار داشت که باید پیمان امنیتی با امریکا مورد تجدید نظر قرار بگیرد؛ این اظهارات جناب مجددی یک ارزش مقایسوی دارد؛ پنج سال پیش همین جناب صبغت الله مجددی سخن گفت که رییس جمهور، یعنی همین جناب حامد کرزی، باید پیمان امنیتی با امریکا را امضاء کند، اگر امضاء نکند، باز دگه جناب مجددی تصمیم گرفته است که مهاجرت کند؛ کرزی پیمان را امضاء نکرد؛ و جناب مجددی هم مهاجرت نه کرد؛ در عوض با رویکار آمدن حکومت جناب داکتر غنی، جناب حنیف اتمر در همان روزی که مشاور امنیت ملی مقرر شد، این پیمان امنیتی با امریکا را، بمانند عاجل ترین اولویت ملی افغانستان، امضاء کرد؛ اما اینک چار سال پس از آن همین اتمر در همین مجلس با مجددی و کرزی حضور یافت تا تیکر تجدید نظر در پیمان امنیتی با امریکا را در تگاره شکسته کنند، و رسانه های مبتکر آن را در نغاره های خود گلدسته کنند؛

سائیرین حاضر در این مجلس را مردم افغانستان می شناسند؛ این همان جماعت «قاچاق برای همه !!» هست، از چکری تا به چا کری!

جالب تر این که پارلمان از هر نظر صد البته بسیار سیاسی، و از هر نظر هزار البته بسیار وطنپرست افغانستان هم بلا فاصله، و بدون تنبلی و چنبلی، این تگر مخملی را زیر پای انداخت؛ و همین پارلمانی که سه سال است قانون

تحصیلات عالی را پاس نمی کند، همین پارلمان، فوراً با رأی ۱۱۶ نفر از ۱۱۸ نفر حاضر تصویب کرد که بلی! اگر این پیمان چارساله است، پس گپ ما بیست و چارساله است که این پیمان باید مورد تجدید نظر قرار بگیرد! داکتر ملک ستیز آنجا که در فیسبوک نوشت این ها از خاطر برده اند که معاش شان را همین خارجی ها می دهند، حق بجانب نیست؛ کاملاً برعکس، گذشتگان به این پارلمان بخوبی می دانند که گماشتگان کی ها هستند؛ گذشتگان به این پارلمان بخوبی می دانند که آن «آزادی کامل» که این طایفه در ۱۷ سال اخیر داشته است، مشروط به این شرط بسیار بی ارزش بوده است که در وقت لازم به ساز ملازم به رقص بیایند؛ پس دقیقاً همین شاخص که این وکیل صاحبان، از الف تا یاء، آبشخور شان کاملاً شناخته است، این سؤال را بسیار جدی تر می سازد که این خوش نیتی در باره پیمان امنیتی از کجا نازل شده است؟؟

داکتر ملک ستیز آنجا که می نویسد مصارف ملکی و نظامی دولت هم در یک «بسته» پرداخت می شود، حق بجانب است؛ اما این کدام گپ نو نیست؛ داکتر خلیل زاد هم در صحبت اخیر خود در کابل گفته بود که این سؤال پیش می آید که باز مصارف دولت از کدام مدرک می آید؛ و حامد کرزی به این سخن پاسخ گفته است؛ کرزی گفت ما را در این حالت نگاه کرده اند، تا ما هم قبول کنیم که این ها اینجا باقی بمانند! داکتر دادفر سپنتا در کتاب خود، به تکرار، شواهدی را ذکر می کند که «موضع ملی» حامد کرزی در برابر امریکا، و سایرین، را مستند می سازند.

با این همه چگونه است که همین حلقاتی، که همه، حلقه دوست را بر حلق افکنده اند، همین ها از گفته خود به خلق شرمنده اند و اینک می گویند که این پیمان خوبش نیست؟ و باز این دل پُری و جرأت ناشکن جناب مجددی از کدام کفش کن آمده است؟؟

دقیق تر می شویم:

درست متصل با این سر و صدا ها در باره پیمان امنیتی، مسافرت های کاری سه گانه مقامات امریکایی به افغانستان و پاکستان و هند در جریان بوده است؛

خبری که در حاشیه بازدید وزیر دفاع امریکا از کابل نشر شد، می گفت که وی بر صلح با طالبان و پاکستان تأکید کرده است؛ آیا جنرال متیس برای گفتن همین گپ، حتماً کاملاً تازه و نو، به کابل آمده بود؟

آن طرف تر وزیر خارجه امریکا و لوی درستیز امریکا از پاکستان دیدار کردند؛ این عالی ترین بازدید یک هیأت امریکایی از پاکستان در دوره متأخیر بود؛ سی. ان. ان. گفت که پامپو مأموریت دارد که مناسبات با پاکستان را دوباره بسازد؛ داکتر خلیل زاد، مشاور وزارت خارجه امریکا در امور افغانستان، نیز در این ملاقات حضور داشت؛ داکتر خلیل زاد طی صحبت اخیر خود در کابل گفته بود که: «پاکستان قابل کنترل است»؛ یعنی امریکا وسایل یقینی در دست دارد که پاکستان را مهار کند؛ حقیقتاً هم امریکا یک فهرست کامل از کمک های خود به پاکستان را به حالت تعلیق در آورد؛

اما اخبار منتشره گفتند که مقامات پاکستانی این فشار های امریکا را بها ندادند و با سردی از هیأت امریکایی استقبال کردند؛ و گفتند که مقامات پاکستانی در این ملاقات بالای منافع ملی پاکستان تأکید کردند؛ این «منافع ملی» معلومدار که یک مفهوم وسیع است؛

یکی از اجزای این منافع ملی پاکستان بدون تردید احتیاجات افزاینده انرژی پاکستان است؛ پاکستان از سال ۲۰۱۱ تصمیم خود را علنی ساخت که ضروریات خود برای انرژی را از طریق «لوله صلح» از ایران دریافت خواهد

کرد؛ یعنی پاکستان پروژه آمریکایی «تاپی» را مسترد کرد؛ برای این مسترد کردن پاکستان دو دلیل داشت: یکی این که امتیازات لوله تاپی را در سال ۱۹۹۶ آمریکا، شاید زیر فشار، از پاکستان خریداری کرده بود؛ و دوم این که پاکستان می گفت که لوله صلح ایران که به پاکستان برسد، نه تنها ضروریات خود پاکستان را رفع می کند، بل از مدرک تمدید این لوله به طرف هند و چین پاکستان به امتیازات ترانزیتی بی سابقه دست می یابد؛ و نیز نسبت به هند دست بالا پیدا می کند که برایش قیمت ستراتژیک دارد؛

اینک دیپلماسی، کاملاً روشن است که، آنجا که نمی تواند تهدید کند، می تواند تطمیع کند. پس آمریکا باید در این مذاکرات از جانبی برای اسلام آباد وضاحت داده باشد که مناسبات با هند برای آمریکا اهمیت ستراتژیک دارد؛ یعنی پاکستان برای آمریکا دیگر آن اهمیت و مقام سابق ستراتژیک را ندارد؛ و آمریکا می تواند پاکستان را عاق کند؛ و از جانب دیگر آمریکا می تواند به پاکستان امتیازاتی قایل شود، تا پاکستان از توريد انرژی از ایران صرف نظر کند، و به پروژه تاپی بپیوندد؛ این امتیازات چی می تواند باشند؟

یکی این که آمریکا از امتیازات خط تاپی که از پاکستان خریداری کرده بود، منصرف شده می تواند و ضلیمت بر این خط را واپس به پاکستان واگذار می کند؛

دیگری این که آمریکا به پاکستان متعهد شده می تواند که مناسبات آمریکا با پاکستان از اثرات مناسبات آمریکا با هند متأثر نه شود؛

نمی دانیم که این امتیازات چی و چگونه می توانند باشند؟ نمی دانیم که در برابر وضعیت بسیار پیچیده ای که در منطقه شکل گرفته است، آیا آمریکا این امکانات را دارد که به پاکستان امتیازاتی بدهد که می خواهد؛ و آیا آنچه آمریکایی ها پیشکش کنند می تواند بدگمانی های پاکستان را برطرف کند و یا نه؟ مخصوصاً که به دنبال این ملاقات ها بر خلاف معمول هیچ تفسیری نشر نشد؛

اما یک چیز را می دانیم و آن این که همین هیأت آمریکایی که به هند رسید، مذاکرات بسیار مهم برای اتحاد ستراتژیک میان آمریکا و هند را انجام داد؛ چنین معلوم می شود که هند در تحت فشار چین، اتحاد با آمریکا را ترجیح داده است؛ این موقف نو هند سرنوشت اتحادیه بریکس و حتی اتحادیه شانگهای را به چالش خواهد کشید؛ و یکی از مهم ترین موضوعات مذاکرات در دهلی تأکید بسیار جدی جانب آمریکایی بالای امتناع هند از خریداری انرژی از ایران بود؛ هند، از زمان اعلام تعذیرات آمریکا بر علیه ایران، توريد انرژی از ایران را ۵٪ تقلیل داده بود؛ و اینک با آمریکا درباره شرایطی مذاکره کرد که چگونه توريد انرژی از ایران به هند کاملاً متوقف شود؟

در این جا سه احتمال گشوده می شود:

افزایش خریداری انرژی از عربستان؛ توريد انرژی، مثلاً گاز مایع، از آمریکا به قیمت ارزان تر؛ و بدون تردید لوله تاپی؛ از این نظر هر گونه توافق در دهلی، یک تجدید نظر در مناسبات هند با پاکستان و ایران هر دو را منظور می کند؛ پروژه ایرانی چابهار، و پروژه ایرانی تمدید لوله ها از زمین بحر به هند، متروک می شوند؛ همین بود که در کابل فوراً مذاکرات سه جانبه افغانستان و ایران و هند دایر شد؛ و مثلاً همکاری های منطقوی از طریق بندر چابهار مورد مذاکره قرار گرفت؛ و از آن سو وزیر خارجه جدید پاکستان به کابل رسید.

آمریکا موفق می شود که در مقابله با چین و روسیه، هند را در اتحاد با خود بیاورد؛ آمریکا موفق می شود که ترانزیت ستراتژیک انرژی ایران به هند و به چین را زیر نظارت خود نگهدارد؛ آمریکا موفق می شود که تعذیرات

علیه ایران را از تاریخ ۴ نوامبر وارد مرحله قاطع بسازد؛  
برای ایران انتخاب های زیادی نمی ماند؛ مگر این که ایران یک انگیزه تازه می یابد برای تشدید عملیات تخریبی  
در افغانستان؛ یعنی ایران مثلاً می تواند مسیر لوله تاپی را که از هرات می گذرد، بی امن بسازد؛  
در افغانستان همان نقشی به طالبان داده می شود که یونوکال در سال ۱۹۹۴ در نظر داشت؛ طالبان قبلاً گفته اند که  
به تأمین امنیت تاپی متعهد اند؛ برنامه «صلح» با طالبان یک پسخانه بسیار فیشنی داشته است!  
پس در این ۲۵ سال چی در جریان بوده است؟ پرزیدنت دونالد ترامپ گفت: علاقه امریکا به افغانستان از خاطر  
منابع زیرزمینی است!

از اینجا است که فکر بکر «بیطرف سازی افغانستان»، که اخیراً جناب داکتر سینتا به پیش کشید، شاید یک زمینه نو  
برای تطبیق می یابد؛ متذکر می شویم که این برنامه ۳۲ سال قدامت دارد؛ و این قلم ده سال پیش در کتاب «سندروم  
افغانستان» همه جوانب این برنامه را به تفصیل گشوده بودم؛ در همان کتاب این قلم به تأکید نوشته بودم که مفکوره  
تأسیس «حوزه تمدنی ما» به حیث مبنای نظری برنامه بیطرف سازی افغانستان مطرح می شود؛ یعنی طرح مفکوره  
بیطرف سازی افغانستان، بدون طرح مفکوره تأسیس «حوزه تمدنی ما»، ناقص و نا تمام و فاقد پایه نظری است؛

•  
در چارچوب این انکشافات بود که «نعره تصغیر: پیمان خویش نیست!» از دهان مبارک مجددی صیب جاری شد؛  
این «نعره تصغیر» نمی توانست بدون اشاره امریکا صادر شده باشد؛ این نعره تصغیر یک علامت می تواند بود  
برای معامله امریکا با پاکستان؛

نمی دانیم که امریکا درباره حضور خود در افغانستان چی تصمیمی دارد؛ اما شرایط حضور امریکا در افغانستان  
دگرگون می شود؛ و این دگرگونی مسائل کاملاً تازه ای می گشاید در مناسبات امریکا با همه کشور های منطقه، و  
از جمله با افغانستان.

بر خلاف نظری که جناب حکیمی، در آریانا افغانستان آنلاین درج کرده بودند، این انکشافات، برعکس، از کدام تفاهم  
در میان امریکا و روسیه برسر افغانستان خبر نمی دهند؛ و بهر حال به نظر نمی رسد که نقش آینده جناب حنیف  
اتمر در چارچوب این تفاهم بر آورد شده بتواند؛  
همه این انکشافات را در یک نسخه می پیچیم :  
موازنه های سیاسی در کابل به شدت جابجا می شوند!

•  
جناب کرزی آگاه است که نعره تکبیر، و نعره تصغیر، ما از کدام دهان آذان می شود!  
وانگهی خواست کرزی هم به آن بلندی ها نیست؛ کرزی می داند که زیر سقف کوتاه خمیده برود !  
خواست جناب کرزی صرفاً در این سطح است که در این میان «نعره تدبیر» به ما افغانان واگذار شود:  
ما شیر هستیم! شیر!!

